

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ



انتشارات کتب

انتشارات، شماره ۴۱۸

هنر و سبک‌های شعر عربی

تالیف:

دکتر شوقی ضیف

ترجمه:

مرضیه آباد

ضیف، شوقی

هنر و سبکهای شعر عربی - الفن و مذاهبة فی الشعر العربی / شوقی ضیف؛
مترجم مرضیه آباد. ویراستار محمد فاضلی. - مشهد: دانشگاه فردوسی مشهد، ۱۳۸۴.

۵۱۳ ص. (انتشارات دانشگاه فردوسی مشهد؛ شماره ۴۱۸)

ISBN: 964-386-067-1

۳۰۰۰ ریال

عنوان اصلی: الفن و مذاهبة فی الشعر العربی.

عربی.

فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیبا.

۱. زبان عربی - فن شعر. ۲. شعر عربی - قرن ۳ ق. - تاریخ و نقد. الف. آباد، مرضیه،
۱۳۳۵ - مترجم. ب. فاضلی؛ محمد، ۱۳۱۷ - ، ویراستار. ج. دانشگاه فردوسی مشهد. د. عنوان.

۸۹۲/۷۱۳۴۰۹۲

۹۰۴۳ ف ۹ ض / PJA ۲۳۴۰

۸۴-۲۳۱۲ م

کتابخانه ملی ایران



انتشارات، شماره ۴۱۸

هنر و سبکهای شعر عربی

تألیف

شوقی ضیف

مترجم

دکتر مرضیه آباد

ویراستار علمی

دکتر محمد فاضلی

وزیری، ۵۱۵ صفحه، ۱۰۰۰ نسخه، چاپ اول، تابستان ۱۳۸۴

امور فنی و چاپ: مؤسسه چاپ و انتشارات دانشگاه فردوسی مشهد

بها: ۳۰۰۰۰ ریال

فهرست

۹	مقدمه مترجم
۱۱	مقدمه چاپ چهارم مؤلف
۱۳	مقدمه چاپ اول مؤلف

کتاب اول: الف - سبک صنعت ب - سبک تصنیع

۱۹	فصل اول: صنعت در شعر قدیم
۱۹	۱ شعر صنعت است
۲۰	۲ صنعت شعر جاهلی
۲۴	۳ قیود صنعت جاهلی
۲۶	۴ طبع و صنعت
۲۸	۵ «صنعت» نخستین سبکی که در شعر عربی مشاهده می‌شود
۳۱	۶ زهیر و سبک صنعت
۳۹	۷ رشد سبک صنعت در عصر اسلامی
۴۴	۸ شعر سَنَتی و شعر غنایی
۴۷	فصل دوم: موسیقی و صنعت
۴۷	۱ پیدایش شعر عربی غنایی است
۵۲	۲ تعقید در غنای جاهلی
۵۲	دسته‌های موسیقی
۵۲	کنزیرکان آوازخوان
۵۴	رقص

- ۳ مظاهر غنا و موسیق در شعر جاهلی ۵۵
- ۴ موج غنا در حجاز در اثنای عصر اسلامی ۵۹
- ۵ تأثیر غنای اسلامی در موسیق شعر غنایی ۶۱
- ۶ انتقال غنا از حجاز به شام ۶۴
- ۷ انتقال غنا به عراق در عصر عباسی ۶۵
- ۸ رشد قطعات شعر غنایی ۶۹
- مطیع بن یاس ۷۱
- عباس بن احنف ۷۴
- ۹ تأثیر غنای عباسی در موسیق شعر غنایی ۷۷
- ۱۰ تأثیر غنای عباسی در موسیق شعر سنی ۸۲

فصل سوم: صنعت و تصنیع ۹۶

- ۱ شعر در قرنهای دوم و سوم و روابط تازه آن ۹۶
- دعوت عباسی ۹۷
- شعوبیه ۱۰۰
- هو و لعب و بی بندوباری ۱۰۵
- زندقه و زهد ۱۱۶
- ۲ ارتباطات زبانها ۱۲۳
- ۳ روابط فرهنگی ۱۳۵
- ۴ شکوفایی سبک صنعت ۱۴۷
- ۵ بشار و صنعت وی در شعر ۱۵۵
- ۶ صنعت ابونواس ۱۶۳
- ۷ صنعت ابوالعاهیه ۱۷۱
- ۸ ظهور سبک تصنیع ۱۷۸
- ۹ تصنیع و نمونه‌های آن در شعر مسلم ۱۸۵

فصل چهارم: تعقید در صنعت ۱۹۳

- ۱ بختی: کودکی و زندگی و صنعت او ۱۹۳

۱۹۸	تفاوت بین بختری و اصحاب تصنیع	۲
۲۰۱	بختری فرهنگ جدید را به کار نمی‌گیرد	۳
۲۰۴	ابن رومی: اصل، زندگی و صنعت او	۴
۲۰۹	ابن رومی فرهنگ جدید را به کار می‌گیرد	۵
۲۱۱	تصویر در شعر ابن رومی	۶
۲۱۷	هجو طنز آلود	۷
۲۱۹	جنبه‌هایی دیگر در صنعت ابن رومی	۸

۲۲۳	تعقید در تصنیع	فصل پنجم:
۲۲۳	ابوقمّام: اصل، زندگی و فرهنگ وی	۱
۲۲۷	ذکارت و تصنیع ابوقمّام	۲
۲۳۱	استفاده ابوقمّام از انواع قدیمی تصنیع	۳
۲۳۶	تصویرگری در شعر ابوقمّام	۴
۲۴۴	استفاده ابوقمّام از انواع جدید تصنیع	۵
۲۵۱	درهم آمیختن انواع تصنیع قدیم و جدید	۶
۲۵۱	غاد	
۲۵۴	أضداد متنافر	
۲۵۸	قیاسهای فنی	
۲۶۰	قصیده عموریّه	۷
۲۶۷	ابن معترّ: اصل، زندگی و تصنیع وی	۸
۲۷۱	تصویرگری ابن معترّ	۹
۲۷۴	افراط در تصاویر و تشبیهات	۱۰

کتاب دوم: سبک تصنع

۲۸۳	تصنع	فصل اول:
۲۸۳	تصنع در تمدن عربی	۱
۲۸۶	تصنع در زندگی هنری	۲

۲۸۸	۳	تصنّع در انواع حتّیّ تصنیع
۲۹۲	۴	انواع عقلی تصنیع درک نمی‌شوند و به هنر بدل نمی‌گردند
۲۹۷	۵	جمود شعر عربی
۳۰۰	۶	تجوّیر
۳۰۲		تجوّیر هنری
۳۰۴		تلفیق

فصل دوم: فرهنگ و تصنع

۳۰۷	۱	متنی: اصل، زندگی و فرهنگ وی
۳۱۶	۲	تصنع متنی [در به‌کارگیری] فرهنگ‌های مختلف
۳۱۶		قرمطی‌گری متنی و تأثیر آن در شعر وی
۳۱۷	۳	تصنع متنی [در کاربرد] اصطلاحات تصوف و اندیشه‌های آن
۳۲۲	۴	تصنع متنی در [به‌کارگیری] عبارات صوفیانه و علامات آن
۳۳۰	۵	تصنع متنی در [کاربرد] افکار و صیغه‌های فلسفی
۳۳۴	۶	ترکیب هنری - فلسفی در شعر متنی
۳۳۹	۷	تصنع متنی در [به‌کارگیری] لغات غریب و اسالیب نادر
۳۴۳	۸	تعقید متنی در موسیقی ریتمیک شعر
۳۴۶	۹	قضای کلی در مورد تصنع متنی و شعر وی
۳۵۳	۱۰	شعرای یتیمه و تصنع آنان
۳۵۵		أبو فراس حمدانی
۳۵۷		شریف رضی

فصل سوم: تصنع و تلفیق

۳۵۹	۱	مهیبار: اصل، تشیع و اخلاق او
۳۶۱	۲	تلفیق در آثار مهیبار
۳۶۶	۳	مهیبار و تطویل قصاید
۳۶۹	۴	سستی در غزل مهیبار
۳۷۳	۵	غزل مهیبار و عناصر بدوی

۶ مدح مهیار و تبدیل آن به شعر مناسبت‌ها ۳۷۷

فصل چهارم: تعقید در تصنع ۳۷۹

۱ ابوالعلاء: اصل، زندگی و فرهنگ وی ۳۷۹

۲ هوش و حافظهٔ ابوالعلاء ۳۸۲

۳ لزومیات و بدیعی ابوالعلاء ۳۸۴

۴ لزومیات و فلسفهٔ ابوالعلاء ۳۸۹

۵ ساختار لزومیات ۳۹۷

۶ التزامات ثابت در لزومیات ۴۰۰

۷ التزامات عارضی در لزومیات ۴۰۵

کتاب سوم: سبک‌های هنری در اندلس و مصر

فصل اول: اندلس و سبک‌های هنری ۴۱۱

۱ اندلس ۴۱۱

۲ شخصیت اندلس ۴۱۳

۳ شعر در اندلس ۴۱۸

این هانی اندلسی ۴۲۰

این دَرَّاج قَسَطَلی ۴۲۶

۴ نهضت شعر اندلسی ۴۳۳

این برد اصغر ۴۳۹

این زیدون ۴۴۱

این خفاجه ۴۴۶

۵ غنای اندلسی و موشحات و زجل‌ها ۴۵۳

فصل دوم: مصر و سبک‌های هنری ۴۵۸

۱ مصر ۴۵۸

۲ شخصیت مصر ۴۶۰

۴۶۴.....	۳ شعر در مصر
۴۶۷.....	۴ فاطمیان و جنبش شعر مصری
۴۸۳.....	شریف عقیلی
۴۸۷.....	ابن مکنسه
۴۸۹.....	ابن قادوس
۴۹۱.....	ابویبّان و نهضت شعر در روزگار آنان
۴۹۲.....	قاضی فاضل
۴۹۵.....	ابن سناء الملک
۴۹۷.....	بهاء زهیر
۵۰۱.....	۶ ممالیک و ادامه نهضت در عصر آنان
۵۰۴.....	جزّار
۵۰۷.....	ابن نباته
۵۰۹.....	۷ عصر عثمانی و بی حاصلی و جمود
۵۱۱.....	خاتمه
۵۱۱.....	۱ تصویر کلی تحقیق
۵۱۲.....	۲ شعر عربی معاصر
۵۱۴.....	شاعران و کوشش برای نوآوری
۵۱۵.....	۳ راه نوآوری مستقیم

مقدمه مترجم

پوشیده نیست که در طول تاریخ، ترجمه یکی از مهمترین راههای انتقال علم و فرهنگ در میان ملل مختلف بوده است و به همین سبب نقش اساسی در رشد و شکوفایی علم و فرهنگ هر ملت داشته است و در این میان دادوستد بین دو فرهنگ عربی و فارسی چنان بدیهی است که جز متعصبین تندرو کسی قادر به انکار آن نیست؛ بنابراین با توجه به رابطه تنگاتنگ زبان فارسی و عربی نگارنده بر آن شد تا با ترجمه کتاب «الفن و مذاهب فی الشعر العربی» تألیف نویسنده مشهور مصری دکتر شوقی ضیف در این تلاش عمومی سهیم شود.

مضمون کتاب به طور عام نقد و تاریخ ادبیات عربی و به طور خاص بررسی سبکهای شعر عربی از حیث هنر و صنعت شعری است که از آغاز تا پایان عصر عثمانی را در بر می گیرد و به حق در نوع خود بی نظیر است. هر چند که عمق و دقت از ویژگیهای برجسته کتاب است اما آنچه به این کتاب جذابیت بخشیده ابتکارات نویسنده است؛ زیرا وی با استفاده صحیح و به جا از مبانی نقد قدیم عرب اصطلاحات جدیدی را وضع و به تعبیری کشف کرد که جامعه ادبیات عرب بدان نیازمند بود؛ چرا که اصطلاحات و تعییرات مختلف موجود در نقد قدیم همواره نوعی ابهام و سردرگمی ایجاد می کرد و او با این کار خود گویی از حقیقتی پرده برداشته است که مدتها در ورای اسامی و اصطلاحات متداخل و متنوع پنهان مانده بود. بر این اساس مترجم نیز برای رساندن هر چه دقیق تر مقصود نویسنده گاه ناگزیر شده است از عین اصطلاحات عربی استفاده کند که البته در زبان فارسی بیگانه نیست، مهمترین این اصطلاحات سبکهای سه گانه شعر عربی است که به ترتیب عبارت اند از: صنعت، تصنیع و تصنع. به دلیل صعوبت ترجمه شعر و به جهت دقت و امانت بیشتر اشعار عربی در متن کتاب آمده و ترجمه آنها در حاشیه ذکر شده است. بعضی اشعار در حاشیه کتاب شرح شده بود که عیناً ترجمه شد و هر جا ضرورت ایجاب کرده مترجم علاوه بر معنای کلی بیت معنای برخی لغات را نیز در میان قلاب افزوده است.

در خاتمه بر خود فرض می دانم که از زحمات بی دریغ استاد دانشمندم جناب آقای دکتر محمدفاضلی که همواره مشوق و راهنمای من بوده اند و در ویرایش و رفع اشکالات کار و نیز تصویب

کتاب از هیچ کمکی فروگذار نکردند کمال سپاس را به جا آورم. همچنین از دوست عزیزم خانم عفت السادات شهیدی که در ویرایش فارسی کتاب به یاریم شتافتند تشکر می‌کنم و سرانجام پیشاپیش از تمامی استادان و صاحب نظرانی که با ارائه پیشنهادات خود مترجم را در رفع کاستیها و لغزشهای این ترجمه یاری می‌رسانند کمال امتنان را دارم.

بهار ۱۳۸۴

مرضیه آباد

www.ketab.ir

مقدمهٔ چاپ چهارم

مؤلف

این تحقیق از سوی محققین با چنان تشویق در خور سپاسی مواجه شد که مرا واداشت در چاپ دوم با افزودن مواد جدیدی آن را پر بارتر سازم که البته این مواد تغییری در نظریهٔ زیربنایی آن مبنی بر اینکه شعر عربی در طول زمان سه سبک صنعت و تصنیع و تصنع را پشت سر گذاشته، ایجاد نمی‌کند. بلکه آن را تقویت کرده، مقدمات و نتایج آن را استحکام می‌بخشد.

به این منظور وقتی برای بار چهارم کتاب را برای چاپ آماده می‌کردم برای اینکه به اندازهٔ توان معانی و حقایق سبکهای آن را استیفا نمایم مجدداً فصول آن را از نظر گذراندم. در این ضمن گناه به تنقیح نوشته‌های پیشین می‌پرداختم و گاهی چیزهای تازه‌ای به آن می‌افزودم همچنان که برای تکمیل توضیحات مثالها و شواهدی را نیز اضافه می‌کردم.

تصمیم گرفتم فصل سوم از کتاب اول را که به صنعت و تصنیع و تقابل آنها در قرنهای دوم و سوم هجری اختصاص دارد مجدداً بنویسم تا روابط مادی و معنوی جدیدی را که تأثیر گسترده‌ای در شعر عباسی گذاشته به طور مفصل مورد بحث قرار دهم. این روابط که تعداد آنها بسیار است، برخی به سیاست و دعوت عباسی مربوط می‌شوند و برخی به نژاد و گرایشهای آن و برخی به تمدن و میراث فرهنگی بیگانه که به زبان عربی منتقل شده بود و برخی چیزهایی است که به زبان و نوآوریهای سبک نوپردازان (مولدین) مربوط می‌شود. این سبک سبکی ساده و شفاف است که غرابت و ابتذال در آن راه ندارد، سبکی که بر الفاظ میانه مبتنی است که به سطح زبان توده و عامه سقوط نمی‌کند و تاحد زبان غریب بادیه‌نشینان صعود نمی‌نماید؛ گاه با فصاحت و استحکام همراه است و گاه با شیرینی، ظرافت و حلاوت توأم است؛ سبکی است که همراه با تصویر جامعه و فعل و انفعالات آن تمامی ذخایر اندیشه و لطایف ذهن و بدایع خیال و تصویر را که برای عقل عباسی فراهم آمده بود، به زیبایی عرضه می‌کند.

از مهمترین ویژگیهای این سبک آن است که در آن رابطهٔ بین قدیم و جدید قطع نمی‌شود. این سبک بهترین الفاظ موجود در سبک قدیم را حفظ کرده است و کل تغییری که در آن وارد می‌کند تهذیب و

تصفیه و پالایش است. همین طور بهترین معانی و تصاویر قدیم را حفظ و آن را با ظرایف اندیشه جدید عباسی و استنباطهای دقیق و محاسن تخیل نو و تصاویر زیبا و ماهرانه آن تقویت کرده است. بدین گونه شعر در عصر عباسی به شکلی ثمربخش متحول شد؛ علل و اسباب میان قدیم و جدید مستحکم گردید، استحکامی که در آن هم نوعی محافظه کاری ثمربخش و پویا و هم نوعی تحول همگام با زمان را احساس می‌کنیم و نیز تمامی انواع مدنیت و رفاه و آثار فرهنگ و اندیشه عمیق را که حاصل آن دوره است. البته گاه نزد برخی شعرا عنصر تحول بر عنصر محافظه کاری غلبه می‌کند و گاهی آن را با نوعی شورش علیه قدما درمی‌آمیزند؛ هرچند که این کار شعر عباسی را - حتی نزد این انقلابیون - از اصول سستی آن خارج نمی‌کند؛ بنابراین در این [سبک] قدیم با جدید درمی‌آمیزد، به گونه‌ای که به آن امکان می‌دهد از عقیم بودن و جمود رها شود؛ چنان که امکان تحول پویا در تعبیر و تفکر و تصویر را به آن می‌بخشد.

در این چاپ سعی کرده‌ام این تطور شعر عباسی را توضیح دهم و برجستگان نخستینش را که زمینه‌ساز آن بودند و تثبیتش نمودند مورد مطالعه قرار دهم؛ آنها عبارت‌اند از بشار، ابونواس و ابوالعاهیه و مسلم بن ولید؛ با معرفی آنان شکوفاشدن سبک صنعت توسط آنان و نیز پیدایش سبک جدید تصنیع روشن می‌شود. بنا به دلایلی که ذکر شد فصل صنعت و تصنیع را باز نویسی کردم. تمام مطالبی را که بسط داده و یا افزوده‌ام تنها و تنها به سبب تکمیل معانی این تحقیق ادبی و سبکهای هنری آن است که خداوند رهنمای راه درست است.

شوقی ضیف

قاهره، ۱۵ مارس سال ۱۹۶۰

مقدمهٔ چاپ اول

مؤلف

در این کتاب سعی کرده‌ام برای شعر عربی سبک‌هایی هنری وضع کنم که بیانگر تطور آن در عصر و سرزمین‌های مختلف باشد. [در این راه] با دو مشکل اساسی مواجه شدم: [نخست] اینکه چگونه این انبوه عظیم از شعر و شاعران را که از عصر جاهلی تا دوران معاصر امتداد یافته مرتب کنم؟ سپس اینکه چه اصطلاحاتی برای نشان دادن اسالیب و سبک‌های هنری شاعران به کار گیرم؟ بهتر دیدم از این مجموعه پریشان‌الفاظ غربی که بعضی نقاد جدید ترجمه کرده‌اند همچون (کلاسیک) و (رمانتیک) و نظیر آنها صرف نظر کنم؛ زیرا سخت است که مکتب‌های ادبی غرب را بر ادبیات خود تحميل کنیم چرا که هیچ نوع پیوند تاریخی یا هنری باهم ندارند؛ بنابراین شعر عربی و امواج پی در پی آن را مورد بررسی قرار دادم اما تحول گسترده‌ای در آن ندیدم بلکه متوجه شدم که از اغلب جهات به شکل واحدی امتداد پیدا می‌کند یعنی همواره مدح است و هجو و فخر و وصف و غزل. این امر سیب شد به حقیقت مهمی پی ببرم و آن اینکه تطور در شعر عربی فقط در نفس صنعت بوده است، یعنی در هنر خالص و اصطلاحات و سنت‌های مربوط به آن. در این هنگام بود که تصمیم گرفتم بر اساس صنعت و هنر برای آن سبک‌هایی وضع کنم.

همین‌طور در نقد قدیم عربی نگریستم و دیدم که ناقدین، شعرا را به دو دسته بزرگ تقسیم می‌کنند: دسته‌ای را اصحاب طبع نامیده‌اند و دسته‌ای را اصحاب صنعت. گروه اول کسانی هستند که بر اساس قوانین موروثی شعر حرکت می‌کنند و به تزیین و زیباسازی نمی‌پردازند و به تکلف و غرابت رو نمی‌آورند؛ اما گروه دوم کسانی هستند که از قوانین موروثی شعر (عمود) روی برمی‌تافتند و به تزیین و آرایه یا به غرابت و تکلف رو می‌کردند و دریافتم که این تقسیم‌بندی صحیحی ندارد. طبع و اصحاب طبع در شعر و هنر چه معنا دارد؟ زیرا هر نوع شعر بیش از اینکه متأثر از آن چیزی باشد که ناقدین ما «طبع» نامیده‌اند متأثر از مجاهدتی جدید و یا قدیم است. آیا شعری هست که صاحبش در اسالیب و موضوعات و معانی به برخی سنت‌ها متوسل نشده باشد؟ هر کس که به عصر جاهلی رجوع کند مشاهده خواهد کرد که شعر چه در الفاظ و معانی و چه در اوزان و قوافی تحت سیطرهٔ سنت‌ها و رسوم بسیاری است که شعرا از

یکدیگر به ارث می‌برند؛ به طوری که مطلقاً نمی‌تواند نظریه طبع و مضمون آن را که [می‌گوید] شعر فطری و الهامی است بپذیرد. شعرای جاهلی شعر خود را صنعت وار می‌ساختند و می‌پرداختند و در اثنای این ساختن و پرداختن اصطلاحات و رسوم بسیاری را پذیرفته بودند.

البته انکار نمی‌کنیم که شعر در اصل موهبتی الهی است؛ اما این استعداد نزد صاحب آن به سرعت به ممارست و مطالعه طولانی سنتها و اصطلاحات موروثی در تاریخ این هنر بدل می‌گردد و او در آنچه می‌سازد و می‌پردازد به شدت به این سنتها و اصطلاحات مقید است. عربهای قدیم خود، شعر را «صنعت» می‌نامیدند و آن را با اوصاف صنایع توصیف می‌کردند. وضعیت نزد یونانیان و تمامی ملل جدید نیز چنین بوده است؛ به همین سبب ناقدین در میان ملل غربی آن را در کنار نقاشی و رقص و موسیقی قرار می‌دادند. شعر نیز همانند این اعمال هنری مبتنی بر تلاش و تحمل مشقت است. همه اینها برابر آن داشت تا اندیشه تقسیم شعرا به اصحاب «طبع» و اصحاب «صنعت» را حتی در عصر جاهلی مردود شمارم؛ زیرا همه شعرا اصحاب صنعت و تلاش و تکلف بوده‌اند؛ چنان که راویان گفته‌اند: در میان شعرای جاهلی کسانی بوده‌اند که قصیده را در یک سال کامل می‌سرورند. بدون شک کسی که شاعر جاهلی را مورد مطالعه قرار می‌دهد به وضوح احساس می‌کند که او همان‌گونه که یک صنعتکار به حرفه خود می‌نگرد، به کار خویش نگاه می‌کند. چرا که آداب و سنتهای بسیاری را در آن مراعات می‌نماید و نفس همین عمل برابر آن داشت تا کلمه «صنعت» را انتخاب کنم که ناقدین قدیم برای نشان دادن اولین سبکی که در شعر عربی مشاهده می‌شود به کار گرفته بودند و زهیر را به عنوان نماد این سبک برگزیدم و هنر وی را در شعرش بیان کردم و قواعد و سنتهای مربوط به هنر او را در کارش توضیح دادم. شکل همین شیوه زهیر ادامه پیدا کرد و با شدت یا ضعف بر شعرای عصر جاهلی تا عباسی مسلط شد و بهتر دیدم که شعر غنایی خالص را که از عصر جاهلی تا عصر عباسی با ساز و نواختن ادوات موسیقی همراه بوده است به این شکل از هنر و صنعت ربط دهم؛ چرا که اصحاب شعر غنایی عادتاً آن را به وادی آرایه و تزیین وارد نمی‌کنند.

چون به عصر عباسی منتقل شدم دیدم که صنعت شعر سنتی یعنی شعر مدح و هجو ترقی کرده و متمدن شده است؛ چرا که چرخ روزگار چرخیده و سازنده شعر از بادیه به شهر منتقل و در اثنای آن عناصری جدید از تمدن و نژاد و فرهنگ وارد شعر عربی شده بود. درحالی که شیوه قدیم [یعنی] سبک زهیر یا شیوه صنعت و صنعتگران همچنان پابرجا بود؛ در کنار آن، شیوه‌های جدیدی ظهور کرد که بر آرایه و زینت تکیه داشت. در دیدگاه اصحاب این شیوه، شعر عبارت بود از زیور و آرایه و بدیع. نماینده این سبک در قرنهای دوم و سوم مسلم بن ولید و پس از او ابوتمام و ابن معتر هستند. درحالی که نمایندگان سبک قدیم بشار و ابونواس و سپس بحرّی و ابن رومی هستند و چون به قرن چهارم رسیدم

دیدم شیوه جدیدی هنر و صنعت شعری را فرا گرفته است. این شیوه بر اعاده تصاویر تکراری و معانی موروثی از طریق پیچاندن و دورزدن و دورکردن معانی مبتنی بود. علاوه بر این شاعر می‌کوشید تعقید را نیز به روشهای قبلی یعنی آرایه و تزیین بیفزاید یا تعبیرات و ترکیباتی نامأنوس از قبیل [لفظی] غریب یا [یکی از اصطلاحات] تشیع یا تصوف یا فلسفه را اضافه کند و ابوالعلاء خیلی زود این سبک را هم از جهت زبان و هم از جهت اوزان و لوازم مختلفی که برای آن به کار می‌گرفت به نهایت تعقید رسانید که در همین کتاب درجای خود به آن پرداخته‌ام.

[مدتی] مردد بودم که برای دو سبک عباسی در مقایسه با سبک قدیم صنعت چه نامی بگذارم؟ و سرانجام تصمیم گرفتم که به ترتیب آنها را سبک «تصنیع و تصنع» بخوانم، تصنیع در لغت به معنای آرایه و زینت است؛ اما تصنع به معنای زیاده‌روی در تکلف و زورزدن و تعقید نهفته در آن است. البته اول در نظر داشتم که این سبک‌ها را به ترتیب به نامهای صنعت، زخرف [آرایه] و تعقید بنامم؛ ولی نامگذاری نخست را ترجیح دادم، زیرا تداخل الفاظ آن بیانگر حقیقت دقیقی است و آن اینکه شیوه‌های هنری در ساخت شعر عربی از حیث معانی و موضوعات و اوزان و قوافی تفاوت‌های گسترده‌ای با یکدیگر ندارند؛ زیرا این تفاوتها فقط در ساختار و اسلوب نهفته است. اینها مراحل است که هنر یا صنعت در شعر عربی پشت سر گذاشته است. با سبک صنعت آغاز شد و به سبک تصنیع انتقال یافت و سرانجام به سبک تصنع رسید و شعرا در کنار این سبکها متوقف شدند و از آن فراتر نرفتند و به سبک جدیدی نرسیدند؛ گویی سرچشمه‌های نیروی رانش که در شعر و هنر مذهب می‌سازد، خشک شده بود. همچنین این سبکها را در اندلس و مصر نیز مورد بررسی قرار دادم و متوجه شدم که شخصیت مصر در تاریخ شعر عربی از شخصیت اندلس و مصر بیشتری دارد. چنان‌که خواننده در فصل مربوط به آن خواهد دید.

انکار نمی‌کنم که در خلال این کتاب به دلیل وسعت و پراکندگی موضوع با جنبه‌هایی مواجه شدم که [انسان را] فریب می‌داد. در حقیقت من سعی کرده‌ام صورت روشنی از سبکهای شعر عربی از قدیم‌ترین ایام تا دوران معاصر ترسیم کنم و این کار مرا مجبور به کاربرد مجموعه‌ای از اصطلاحات کرد که برای توصیف این سبکها به کار برده‌ام. اینها در لابه‌لای کتاب در میان گیومه گذاشته شده است.

این بررسی گسترده از هنر و صنعت شعر نزد عربها و مراحل و حوادثی که در دورانها و سرزمینهای مختلف پشت سر گذاشته سبب شد به منابع بسیاری همچون دواوین شعرا و نوشته‌های ناقدین عرب در مورد هنر و صنعت شعرشان مراجعه کنم. همچنین به تمامی کتابهایی که به شعر و شعرا مربوط می‌شد از قبیل کتابهای ادبی عام یا کتابهای تاریخی و جغرافیایی مراجعه کردم؛ همین‌طور به مجموعه‌ای از کتابهای مستشرقین و کتابهای نقد ادبی جدید نزد غربیان رجوع کردم و اعتراف می‌کنم که کتابهای قدیمی ما سرشار از متونی است که شرایط حیات هنری را به‌طور واقعی توضیح می‌دهند و مدعی نیستیم که همه

جنبه‌های هنر و صنعت را در شیوه‌ها و سبکهای شعر عربی کشف کرده‌ام. من فقط سعی کرده‌ام این کار را انجام دهم و راه آن را نشان داده‌ام بدون اینکه منکر مسائل ابهام‌انگیز یا غموض آفرینی باشم که ممکن است در این تحقیق وجود داشته باشد که خداوند رهنمای راه راست است.

قاهره، ۱۷ آوریل سال ۱۹۴۳

شوقی ضیف

www.ketab.ir